



## Ecocide, Genocide, Capitalism and Colonialism: Consequences for Indigenous Peoples and Global Ecosystems Environment

## بوم‌زدایی، نسل‌زدایی، سرمایه‌داری و استعمارگرایی: پیامدهای آن بر مردمان بومی و زیست بوم‌های جهانی

Martin Crook (University of London, UK)

Damien Short (University of London, UK)

Nigel South (University of Essex, UK)

soutn@essex.ac.uk

مارتین کروک، دامین شورت، نیگل ساوس

Sayed Alireza Mirkamali

Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

سید علیرضا میرکمالی  
استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

amirkamali@sbu.ac.ir

Amin Hajivand

Doctoral student and guest lecturer of law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (Responsible Translator)

امین حاجی‌وند  
دانشجوی دکتری و مدرس مدعو حقوق، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران  
(مترجم مسئول)

am.hajivand@mail.um.ac.ir

Behzad Tavassoli Fam

Master of Computer Engineering, Bachelor of Laws, Rusdih Institute of Higher Education, Tabriz, Iran

بهزاد توسلی‌فام  
کارشناس ارشد مهندسی کامپیوتر، دانشجوی کارشناسی حقوق، مؤسسه آموزش عالی رشديه، تبریز، ایران

bh.tavassoli@gmail.com

Received: 2023/04/18 - Review: 2023/07/02 - Accepted: 2023/08/18

### Abstract

Injustice and denial of rights of indigenous peoples are part of the long legacy of colonialism. Parallel processes of exploitation and injustice can be identified in relation to non-human species and/or aspects of the natural environment. International law can address some extreme examples of the crimes and harms of colonialism through the idea and legal definition of genocide, but the intimately related notion of ecocide that applies to nature and the environment is not yet formally accepted within the body of international law. In the context of this special issue reflecting on the development of green criminology, the article argues that the concept of ecocide provides a powerful tool. To illustrate this, the article explores connections between ecocide, genocide, capitalism and colonialism and discusses impacts on indigenous peoples and on local and global (glocal) ecosystems.

**Keywords:** Colonialism, Ecocide, Ecosystems, Genocide, Indigenous Peoples.

### چکیده

بی عدالتی و انکار حقوق مردمان بومی، بخشی از میراث ماندگار استعمارگرایی است که در این رابطه، فرایندهای بهره‌برداری و عدم رعایت حقوق گونه‌های غیرانسانی یا محیط طبیعی نیز قابل مشاهده می‌باشد. حقوق بین‌الملل می‌تواند از طریق ایده و تعریف حقوقی که از نسل‌کشی موجود است، به برخی از نمونه‌های جرائم شدید و مضرات استعمارگرایی بپردازد، اما مفهوم دقیق بوم‌زدایی که به طبیعت و محیط زیست اشاره دارد هنوز به طور رسمی در بدنه حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده است. در متن این شماره ویژه، مقاله حاضر کاربرد تعریف حقوقی مفهوم بوم‌زدایی را به عنوان یک ابزار مؤثر بر توسعه جرم‌شناسی سبز مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا و برای تبیین این موضوع، مقاله به بررسی ارتباطات بین بوم‌زدایی، نسل‌زدایی، سرمایه‌داری و استعمارگرایی می‌پردازد و تأثیرات آن‌ها را بر مردم بومی و اکوسیستم محلی-جهانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** استعمارگرایی، بوم‌زدایی، اکوسیستم، نسل‌زدایی، مردم بومی.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ - بررسی مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

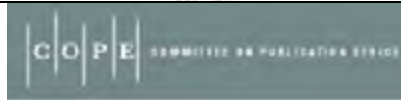
مقاله حاضر ترجمه مقاله Ecocide, Genocide, Capitalism and Colonialism: Consequences for Indigenous Peoples and Global Ecosystems Environment از Martin Crook, Damien Short, Nigel South است که در نشریه Theoretical Criminology در سال ۲۰۱۸ منتشر شده است.

ارجاع:

کروک، مارتین؛ شورت، دامین؛ ساوس، نیکل؛ (۱۴۰۲)، بوم‌زدایی، نسل‌زدایی، سرمایه‌داری و استعمارگرایی: پیامدهای [آن] بر مردمان بومی و زیست بوم‌های جهانی، ترجمه سید علیرضا میرکمالی، امین حاجی‌وند و بهزاد توسلی‌فام؛ تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

## Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



## پیشگفتار مترجمین

امروزه، دوست‌داران محیط‌زیست، نه سخن از «معضل» یا «مسائل» زیست‌محیطی، بلکه سخن از «بحران محیط زیست» به‌میان می‌آورند تا شدت و حساسیت این موضوع را به خوبی بیان و تدابیر مناسبی را برای برون‌رفت از این بحران پیدا کرده و به سیاست‌گذاران پیشنهاد نمایند. این شیوه بیان، آشکارا بر وخامت اوضاع محیط‌زیست و جدی بودن بحران دلالت دارد. با انقلاب صنعتی و رشد پیشرفت‌های چشمگیر تکنولوژی، زندگی انسان‌ها در ظاهر به سمت آرامش و راحتی گروید اما در بطن ماجرا، گویا خطرات این پیشرفت‌های چشمگیر بیش از مزایای آن بوده است. سردمداران نظام سرمایه‌داری برای پوشاندن این گونه خطرات باید با ابزارهای مختلفی، این نگرانی‌ها را عادی جلوه داده و آن را به فرهنگ عمومی تبدیل کرده و از این طریق نوعی امنیت اخلاقی در شهروندان ایجاد کنند (جوان جعفری و حاجی‌وند، ۱۴۰۰، ۱۹۶). دیوید هاروی<sup>۱</sup> به عنوان یکی از نویسندگانی که در زمینه اقتصاد نئولیبرالیسم دست به قلم برده است، در کتاب هفده تناقض و پایان سرمایه‌داری<sup>۲</sup>، یکی از تضادهای خطرناک را رابطه مهلک سرمایه با طبیعت برشمرده است.<sup>۳</sup> در نظر وی در عصر سرمایه‌داری نو، سرمایه؛ ردای حمایت از محیط‌زیست را بر تن کرده تا بنیانی مشروع برای سیاست‌های زیست‌محیطی باشد. وی نظام نئولیبرالیسم در عصر حاضر را دارای خصیصه‌هایی می‌داند: «کالائی شدن، پولی شدن و تجاری شدن تمامی جنبه‌های طبیعت» (هاروی، ۱۳۹۴،

1- David Harvey

2- Seventeen Contradictions and the End of Capitalism

۳- تناقض شانزدهم

۳۲۷). پژوهش حاضر با عنوان «بوم‌زدایی، نسل‌زدایی، سرمایه‌داری و استعمارگرایی: پیامدهای [آن] بر مردمان بومی و زیست بوم‌های جهانی» یکی از مقالات بسیار کلیدی در بررسی بوم‌زدایی، نسل‌زدایی و سرمایه‌داری است که تأثیر آن را بر زیست بوم‌های جهانی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این پژوهش بنیان‌های فلسفی و جرم‌شناختی سبز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. توجه ویژه نویسندگان مقاله به بحث جرم‌شناسی‌های ادغام‌گرای انتقادی<sup>۴</sup> نیز معطوف شده است که مترجمین امیدوارند با ترجمه متن موردنظر رهیافت‌های جدیدی را به نویسندگان حوزه سبز ارائه دهند.

## مقدمه

بگذارید به خاطر پیروزی‌های انسانی بر طبیعت خود را بیش از حد تمسخر نکنیم، زیرا طبیعت برای هر یک از این پیروزی‌ها، انتقام خود را از ما خواهد گرفت (Engels, 1964, 183). انسان خودآگاهانه یا ناخودآگاه، در زمان صلح و یا جنگ، خسارات جبران‌ناپذیری را به محیط زیست وارد نموده است (cited in Falk, 1973, 93) و (Draft Ecocide Convention 1973). در چند دهه گذشته، شناخت میراث متوالی استعمارگرایی، در قالب بی‌عدالتی و انکار حقوق مردم بومی، رشد نموده است. اما از سویی دیگر، حقوقی که به گونه‌های غیرانسانی یا محیط زیست، نسبت داده می‌شود، با روند آهسته‌تری توسعه یافته است (Berry, 1999) و (Cullinan, 2011) و (Sollund, 2012). حقوق بین‌الملل، می‌تواند از طریق ایده و تعریف حقوقی که از نسل‌کشی موجود است، به برخی از نمونه‌های جرائم شدید و مضرات استعمارگرایی پردازد (در این رابطه، رافائل لمکین منعکس‌کننده یک نقد حقوقی و اخلاقی راجع به استعمار است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد). با این حال، هنوز هم مفهوم دقیق بوم‌زدایی، به طور رسمی و به عنوان یک اصطلاح قانونی تعریف شده در بدنه حقوق بین‌الملل، پذیرفته نشده است (اساسنامه رم فقط به آسیب‌های گسترده، طولانی مدت و شدید نسبت به محیط طبیعی در زمینه جنگ اشاره می‌نماید).

بات<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) به نقل از (Dunlap, 2018, 553)، سه ویژگی اصلی استعمارگرایی را مشخص می‌نماید: سلطه خارجی یک ملت بر دیگری؛ تحمیل فرهنگ و آداب رسوم بر ملت موردنظر؛ بهره‌برداری از ملت

۴- جهت مطالعه بیشتر جرم‌شناسی ادغام‌گرای انتقادی ر.ک به: جوان جعفری، عبدالرضا و حاجی وند، امین، ۱۴۰۰، تحلیلی بر نقش رسانه در ترویج رفتارهای ناقض حق بر محیط زیست سالم از منظر جرم‌شناسی ادغام‌گرای انتقادی (مطالعه مدل جوامع نئولیبرالیستی)، دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، شماره ۳۱.

5- Butt

۶- مترجم: این به onto the colonized بر می‌گردد، می‌توان آن را جمعیت مستعمره معنی کرد.

موردنظر<sup>۷</sup> (مانند برده‌داری، استخراج منابع طبیعی و سوءاستفاده از اموال فرهنگی). سلطه، تحمیل و استثمار (بهره برداری) که به روش‌های مختلف روی می‌دهد، می‌تواند منجر به نتایجی شود که کراک<sup>۸</sup> و شارث<sup>۹</sup> (2014)، آن را نسل‌کشی زیست‌محیطی (اکولوژیک) نامیده‌اند. دانلپ<sup>۱۰</sup> با وسعت دادن این نکته، معتقد است که شناخت روابط و جدایی‌ناپذیری مردمان بومی و سرزمین آن‌ها، بسیار مهم می‌باشد. مداخلات مخرب زیست‌محیطی (اکولوژیک)، مانند کشتن یا از بین بردن حیوانات، ماهی‌ها و محصولات زراعی، می‌تواند با تضعیف زندگی، موجودیت و مقاومت جوامع بومی به عنوان نمونه‌ای از اقداماتی نظیر تاکتیک ایجاد قحطی شناخته شود و بخشی از یک استراتژی بزرگتر باشد (Dunlap, 2018, 557). همان‌طور که در این‌جا استدلال شد، تاراج طبیعت، بهره‌برداری گسترده از منابعی نظیر زمین و آب (Goyes et al., 2017) و (Brisman and South, 2016)، تخریب ارتباطات بین مردم، فرهنگ و سرزمین آن‌ها (Samson, 2003)، همگی می‌تواند از عواقب ناشی از نسل‌کشی<sup>۱۱</sup> و بوم‌زدایی<sup>۱۲</sup> برای جوامع بومی آسیب‌پذیر باشد که، چه از نظر مادی یا معنوی، به محیط زیست در معرض خطر خود وابسته‌اند (Dunlap, 2018, 557).

در متن این شماره ویژه که در توسعه جرم‌شناسی سبز تأمل می‌نماید، ابتدای مقاله، با این استدلال آغاز می‌شود که مفهوم بوم‌زدایی (یا تعریف مفهوم بوم‌زدایی)، ابزاری قدرتمند را برای کار در این زمینه فراهم می‌نماید و بین بوم‌زدایی، نسل‌زدایی، استعمارگرایی و سرمایه‌داری، ارتباطات مهمی برقرار است. در ادامه نیز تأثیر نسل‌کشی و بوم‌زدایی بر مردم بومی، اکوسیستم محلی و جهانی توصیف شده است.

### ۱- چشم‌انداز جرم‌شناسی سبز

سوالات جرم‌شناسی، تعاریف و طبقه‌بندی‌های بدیهی از جرم، انحراف و آسیب را زیر سوال می‌برد و پیشنهادهای جایگزین، در مورد وسیله‌هایی که با آن عدالت و حقوق حاصل می‌شود، ارائه می‌نماید. با این حال، خواستار تغییر پارادایم (گفتمان) و تغییر بنیادین رویکرد است، مانند استدلال شوندینگر<sup>۱۳</sup> (1970)، حمایت از پذیرش رویکرد حقوق بشر، احتیاج به گذشت زمان دارد. به همین ترتیب، با توجه به میزان خشونت، خسارت و قربانی‌هایی که، در اثر وقوع بهره‌برداری و استعمار اراضی به وجود آمده است،

۷- مترجم: این مورد هم مانند مورد قبلی است.

8- Crook

9- Short

10- Dunlap

11- Genocidal

12- Ecocidal

13- Schwendingers

می‌توان انتظار داشت که جرم‌شناسی نسبت به قبل، توجه بیشتری را به بوم‌زدایی و چنین رویدادهایی اختصاص دهد. در این زمینه استثناءهایی نیز وجود دارد (Day and Vandiver, 2000) و (Cohen, 1993). همان‌طور که در ادامه بیان می‌گردد، تاریخچه و روند شکل‌گیری بوم‌زدایی و نسل‌زدایی، بسیار به یکدیگر مرتبط است. با این وجود، تا همین اواخر، این نوع جنایات در جرم‌شناسی ناشناخته بود. اکنون، این موضوعات در حیطه آنچه که جرم‌شناسی سبز نامیده می‌شود، قرار دارد و تأثیر بوم‌زدایی، در زیان‌های وارد شده به سیاره زمین، شناخته شده است (Larsen, 2012, 52) و (Higgins et al., 2013).

اذعان به اهمیت جرائم علیه طبیعت و تأثیری که بر محرومان و مستعمره‌ها (کشاورزان، مردمان بومی و دیگران) دارد، زمان زیادی را به خود اختصاص داده است (زمان زیادی گرفته است تا مورد توجه جرم‌شناسی قرار گیرد) (Lynch and Stretesky, 2014, 175). این تا حدودی نتیجه تمرکز دید شمالی<sup>۱۴</sup> و جهت‌گیری غربی<sup>۱۵</sup> در این زمینه است.<sup>۱۶</sup> به خصوص در ایالات متحده آمریکا، نتیجه تعصب<sup>۱۷</sup> و بی‌اعتنایی به علوم اجتماعی، نسبت به سایر دانش‌ها است (Foucault, 1989). این خصوصیات، در مقاله انتقادی جرم‌شناسی جنوبی<sup>۱۸</sup> کارینگتن<sup>۱۹</sup> و همکاران بیان گردید (Carrington et al., 2016) و (Carrington and Hogg, 2017).

و سپس توسط گایز<sup>۲۰</sup> و سات<sup>۲۱</sup>، به عنوان فقدان در جرم‌شناسی سبز، مورد بررسی قرار گرفت (2017a). میزان توجه به نسل‌زدایی و بوم‌زدایی، از این جهت دارای اهمیت است که نشان‌دهنده توزیع و کنترل موجود، بر دانش و قدرت می‌باشد. در این رابطه، گایز<sup>۲۲</sup> و سات<sup>۲۳</sup> (2017a)، استدلال می‌نمایند فرایندهای معرفت‌کشی<sup>۲۴</sup>، فقدان<sup>۲۵</sup> و فراموشی<sup>۲۶</sup> در جرم‌شناسی متداول بوده است. این مسئله می‌تواند، عدم توجه به مواردی از قبیل جرم، خسارات زیست‌محیطی، آسیب‌های مرتبط با سوءاستفاده از حقوق و

14- Northern focus

15- Western orientation

۱۶- ر.ک به: Carrington et al., 2016

۱۷- ر.ک به: Lynch et al., 2017

18- Southern criminology

19- Carrington

20- Goyes

21- South

22- Goyes

23- South

24- Epistemicide

25- absences

26- amnesia

مواردی از قربانیان را شرح دهد. مخصوصاً، زمانی که این موارد بر جهانی جنوبی، بومی و استعمارزده<sup>۲۷</sup> تأثیر می‌گذارند. در این رابطه، قابل ذکر است، نویسندگان مختلفی (در زمینه جرم‌شناسی سبز) اظهار داشته‌اند که، یک رویکرد جهانی در این موارد، ضروری است.<sup>۲۸</sup> البته این به آن معنا نمی‌باشد که همیشه کارهای مرتبط با غیر از زبان انگلیسی یا رشته‌های تحصیلی غیر از جرم‌شناسی، مورد تصدیق است. اولین استفاده از اصطلاح جرم‌شناسی سبز را می‌توان در مطالعه لینچ<sup>۲۹</sup> (3, 1990)، ملاحظه نمود. در این مطالعه، هدف از به کار بردن اصطلاح جرم‌شناسی سبز، آشکار ساختن و پاسخ دادن به انواع بی‌عدالتی‌هایی می‌باشد که، با توزیع ناعادلانه قدرت، از بین بردن زندگی انسان، ایجاد قحطی و انواع خسارات زیست‌محیطی (برای گونه‌های انسانی و غیرانسانی نظیر حیوانات) در ارتباط است. سات<sup>۳۰</sup> (215, 1998)، در مقاله‌ای که رویکرد اقتصادی سیاسی<sup>۳۱</sup> دارد، زمینه مطالعه زیست‌محیطی (سبز) را در جرم‌شناسی پیشنهاد نموده است (بیشتر جنبه حقوقی اتخاذ کرده است). در این زمینه، بر توسعه حقوق و حقوق زیست‌محیطی به عنوان یک حوزه اصلی مطالعه بین‌المللی و همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد<sup>۳۲</sup> تأکید می‌نماید که در پیوند بین اعتراض سیاسی برای حفظ حقوق بشر امروز و اقدام لازم برای حفظ حقوق زیست‌محیطی نسل آینده مؤثر است. از این رو، این فراخوان می‌تواند، با پاسخ‌گویی بین‌المللی نسبت به جرائم و خسارات زیست‌محیطی، به شکل‌دهی، تمديد و متناسب نمودن (نسبت به آینده) حقوق بشر پردازد. در نتیجه، به هم پیوستگی حقوق بشر و محیط‌زیست جهانی<sup>۳۳</sup>، با به کارگیری منطق و عدالت، قابل درک خواهد شد. سات<sup>۳۴</sup> (226, 1998)، در مطالعات خود در زمینه جرم‌شناسی استدلال می‌نماید که، تهدیدات و تخلفات زیست‌محیطی می‌تواند در کنار موضوعات جدید، با اهمیت بین‌المللی و جهانی (به ویژه جنایات جنگی و نقض حقوق بشر)، در نظر گرفته شود، اما ارتباط مستقیمی با تفکر اولیه راجع به اصطلاح بوم‌زدایی برقرار نشده است. پیشنهادات ارائه شده هرچند که در برخی از مجلات سیاسی و حقوقی، توسعه یافت و پیگیری گردید، اما تا آن زمان، در جرم‌شناسی به طور کامل شناخته نشده بود. دل اولمو<sup>۳۵</sup> (1987)، در مقاله‌ای اهمیت تأثیر استفاده از علف‌کش‌ها علیه گیاهان دارویی (پرورشی) را

27- Global South, the indigenous and the colonized

۲۸- ر.ک به: Ellefsen et al., 2012; South, 2016; White, 2011

29- Lynch

30- South

31- Ppolitical economy

32- Non-governmental organizations (NGO)

33- Global environment

34- South

35- Del Olmo

در کشورهای مختلف امریکای مرکزی و امریکای لاتین، مورد بررسی قرار داد. اقدامات ذکر شده در نهایت منجر به آلودگی غذا، آب و دیگر مشکلات بهداشتی گردید که دل اولمو، از آن به عنوان جنایت جنگی و نقض حقوق بشر یاد کرده است. دل اولمو، در ادامه برای توصیف ضررهای تحمیل شده، اصطلاح نسل‌کشی زیست‌محیطی<sup>۳۶</sup> را معرفی نمود. این ایده‌ای بود که باید توجه بیشتری را به خود جلب می‌نمود و بیشتر توسعه می‌یافت. در این رابطه مواردی مانند نسل‌کشی، بوم‌زدایی، صدمات و آسیب‌های ناشی از بی‌تفاوتی قدرتمندان نسب به تعهدشان (مانند ارتکاب جنایتی به بهانه جلوگیری از جرم دیگر)، قابل ذکر است. همان‌طور که او (دل اولمو) در ادامه نوشته است: جنایتی در زمینه بوم‌زدایی که با استفاده از روش‌ها، سیستم‌ها و سلاح‌های ممنوعه، روی داده است. ویتنام نمونه بارزی است که در آن از بمب آتش‌زا<sup>۳۷</sup> و عامل نارنجی<sup>۳۸</sup> استفاده گردیده است. امروزه، استفاده از سلاح‌ها و مواد شیمیایی سمی، به خصوص علف‌کش‌های ممنوعه نظیر پاراکوات<sup>۳۹</sup>، گلی فسفات<sup>۴۰</sup> و عامل نارنجی<sup>۴۱</sup> منجر به ایجاد مسمویت، آلودگی مواد غذایی و مشکلات زیست‌محیطی در محل مصرف گردیده است (Del Olmo, 1987, 30).

در مطالعات دیگر مانند وایت<sup>۴۲</sup> (2008)، محیط زیست محل ایجاد مناقشه و به عنوان کالای مصرفی، در نظر گرفته شده است. به طور مثال بوکهورت ون سولینز<sup>۴۳</sup> (2008, 26)، مفاهیم نسل‌زدایی و بوم‌زدایی را در بررسی‌های خود، به عنوان نتیجه‌ای از بهره‌برداری از منابع طبیعی و درگیری در چندین نقطه از آفریقا و ویران کردن محیط‌زیست (در اثر بهره‌برداری از الوار و مواد معدنی) بیان نمود. اول، او (بوکهورت ون سولینز)<sup>۴۴</sup> خاطرنشان کرد که برت<sup>۴۵</sup> (1993)، خواستار داشتن حق محیط‌زیست سالم و تشریح پایه و اساس جرم بوم‌زدایی شده است که باید در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شود. دوم، ذکر نمود که گری<sup>۴۶</sup> (1996)، صریحاً پرونده‌ای را برای جرم بین‌المللی بوم‌زدایی مطرح نموده است. سایر مطالعات مرتبط نیز به فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ داروسازی، غذایی، شیمیایی و مطالبه‌گری متجاوزانه

36- Eco-bio-genocide

37- Aapalm

38- Agent Orange

39- Paraquat

40- Glyphosphate

41- Agent Orange

42- White

43- Boekhout Van Solinge

۴۴- از ضمیر او استفاده شده که احتمالاً به آخرین محقق باز می‌گردد.

45- Berat

46- Gray

استعمارنو<sup>۴۷</sup> (در جهت ادعای مالکیت معنوی و تملک طبیعت) می‌پردازند (Wyatt, 2014) و (Walters, 2006) و (South, 2007) و (Mies and Shiva, 1993).

دزدی دریایی از نوع زیستی<sup>۴۸</sup>، سابقه طولانی دارد. برای مثال در جهانی نئولیبرالی<sup>۴۹</sup> و جهانی شده با تعریف مجدد علوم، حقوق و همچنین اعمال زور یا فشار، جابجایی صاحبان سنتی و بومی (طبیعت)، تسهیل و تسریع گردیده است. برای مثال استفاده از پلیس ایالتی، ارتش و خدمات امنیتی و نظامی خصوصی (Goyes and South, 2015) و (Goyes, 2018).

جرم‌شناسی سبز، اکنون شاهد توسعه کارهایی است که با پروژه جنوبی سازی جرم‌شناسی<sup>۵۰</sup> و ایده‌هایی نظیر بوم‌زدایی، نسل‌زدایی و قومیت‌زدایی<sup>۵۱</sup> مرتبط است. در این رابطه، نویسندگان متعددی اظهار نظر نموده‌اند. همان‌طور که واینستاک<sup>۵۲</sup> (2017, 147)، خاطرنشان می‌نماید، جوامع بومی قبلاً مفاهیم بوم‌زدایی و قومیت‌زدایی را به کار گرفته‌اند. برای مثال، می‌توان به نمونه‌ای از جوامع ماپوچه<sup>۵۳</sup> اشاره کرد که، به دنبال بازیابی (استرداد) اراضی گرفته شده توسط دولت هستند. همان‌طور که معترضین ماپوچه اظهار داشتند، الگوی گسترده سرمایه‌داری<sup>۵۴</sup>، از طریق معدن‌کاری و استخراج نفت، منجر به فقیر شدن، محرومیت، افزایش بیابان‌زایی، و کمبود آب آشامیدنی گردیده است. به تعبیر دیگر، آن‌ها می‌گویند این یک ترور برنامه‌ریزی شده (بوم‌زدایی و قومیت‌زدایی<sup>۵۵</sup>) توسط قدرت اقتصادی و ایالتی (دولتی) می‌باشد (quoted in Weinstock, 2017, 148).

پیش از نگارش واینستاک<sup>۵۶</sup>، سات<sup>۵۷</sup> (2010, 2009)، بیان نموده است، استفاده از اصطلاح بوم‌زدایی در تفسیر محیط‌زیست، کاملاً ناآشنا نمی‌باشد و به عنوان یک کلمه هشدار<sup>۵۸</sup> و سیگنال آگاهی‌دهنده دیر هنگام<sup>۵۹</sup> (نسبت به تمایلات و اعمال بوم‌زدایی ملت‌های پیشرفته)، عمل کرده است (South, 2009).

47- Neocolonialist

48- Bio-piracy

49- Neoliberal

50- southernizing criminology

51- Ethnocide or the deliberate and systematic destruction of the culture of an ethnic group.

52- Weinstock

53- Mapuche

54- Expansive logic of the extractivist capitalist model

55- ecocide and ethnocide

56- Weinstock

57- South

58- word of warning

59- Late modernity (or liquid modernity) is the characterization of today's highly developed global societies as the continuation (or development) of modernity rather than as an element of the succeeding era known as postmodernity, or the postmodern.



41). از دیگر محققین می‌توان به وایت<sup>۶۰</sup> و هکنبرگ<sup>۶۱</sup> (2014, 59) اشاره نمود که فصلی از کتاب خود را به شرح مفاهیم عدالت زیست‌محیطی، اکولوژیکی و همچنین بوم‌زدایی پرداخته‌اند. بدین‌منظور که، مفاهیم ذکر شده، به عنوان یک جرم شناخته و اثبات شود و همچنین پاسخ جدی متناسب با آن ارائه گردد.<sup>۶۲</sup> همان‌طور که هیگینز<sup>۶۳</sup> و همکاران (2013) اظهار نمودند، تغییرات آب و هوا و مضرات جبران ناپذیری که، به سیاره زمین وارد گشته است، به اصلاحات و تجدیدنظرهای اساسی در سیستم حقوقی بشر نیاز دارد. در این رابطه، جرم‌شناسی سبز (زیست محیطی) که مربوط به ایجاد سیستم‌هایی مؤثر برای اجرای عدالت زیست‌محیطی است، باید شامل اقداماتی باشد که از اثبات بوم‌زدایی حمایت نماید و اقدامات لازم جهت پیگیری در قوانین بین‌المللی (جهت مقابله با آن در عصر حاضر) را فراهم کند.

در بخش بعد، به این‌که چطور مفهوم بوم‌زدایی به عنوان یک جرم در نظر گرفته شده است، خواهیم پرداخت. همچنین، پیوند بین بوم‌زدایی و نسل‌زدایی را نیز بررسی می‌نمایم.

## ۲- آیا زمان محافظت حقوقی از سیاره زمین فرا رسیده است؟<sup>۶۴</sup>

هدف از حفاظت از محیط‌زیست و اکولوژی در سیاره زمین، توجه و شناخت تهدیدات ناشی از تغییرات آب و هوایی، آلودگی و فشارهای موجود بر روی تولید مواد غذایی است. در سال ۲۰۱۰ میلادی، کنفرانس جهانی تغییرات آب و هوا و حقوق مادر زمین<sup>۶۵</sup>، در کوچابامبا<sup>۶۶</sup> برگزار گردید و بیانیه جهانی<sup>۶۷</sup> حقوق مادری زمین<sup>۶۸</sup> را منتشر نمود (Bolivia, 2010). اخیراً در سال ۲۰۱۷ میلادی، فراخوانی برای برپایی یک دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست، در جهت حمایت از توسعه عدالت زیست محیطی - اکولوژیکی داده

60- White

61- Heckenberg

۶۲- ر.ک به: Larsen, 2012

63- Higgins

64- A time for a law to protect the Earth?

65- Climate Change and the Rights of Mother Earth

۶۶- کوچابامبا (Cochabamba) یک شهر در بولیوی است که در استان سرکادو واقع شده است.

۶۷- عبارتی که ممکن است معنای مشخصی برای آن تاکنون در زبان فارسی وجود نداشته باشد. یک تعریف از آن در مقالات خارجی جستجو شد و آدرس آن در پیوست لحاظ گردید.

[https://www.jstor.org/stable/10.18772/22018020541.10?seq=1#metadata\\_info\\_tab\\_contents](https://www.jstor.org/stable/10.18772/22018020541.10?seq=1#metadata_info_tab_contents)

<https://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:sh5Z8wT5F8cJ:https://www.ienearth.org/wp-content/uploads/2017/11/RONME-RightsBasedLaw-final-1.pdf+&cd=17&hl=en&ct=clnk&gl=ir>

<https://www.ienearth.org/wp-content/uploads/2017/11/RONME-RightsBasedLaw-final-1.pdf+&cd=17&hl=en&ct=clnk&gl=ir>

1.pdf+&cd=17&hl=en&ct=clnk&gl=ir

68- Mother Earth Rights

شد (ICE Coalition, 2011) و در ماه مارس<sup>۶۹</sup> همان سال، رودخانه وانگانویی<sup>۷۰</sup> در نیوزلند<sup>۷۱</sup>، به مثابه حق و حقوق یک شخص حقوقی، از جایگاه و تضمین قانونی، برخوردار گردید (Aljazeera, 2017). از دیگر موارد مشابه نیز می‌توان به بیانات پولی هیگینز<sup>۷۲</sup>، فعال زیست‌محیطی و حقوق‌دان بین‌المللی، در رابطه با نیاز به تعریف حقوقی و جرم‌انگاری بوم‌زدایی، اشاره نمود.<sup>۷۳</sup>

کمپین ریشه‌کن کردن بوم‌زدایی<sup>۷۴</sup>، در زمانی که جلوگیری از تخریب زیست‌محیطی - اکولوژیکی نمی‌تواند مؤثر واقع گردد، توجه بیشتری را به خود جلب می‌نماید. مورد مذکور، یکی از کمپین‌هایی است که تأثیر ویرانگر تخریب محیط‌زیست را (شامل به خطر انداختن سلامت جسمی، معنوی و ویژگی فرهنگی) بر مردم بومی، برجسته می‌نماید. موارد ذکر شده بسیار بااهمیت است. اما مفهوم بوم‌زدایی بسیار بااهمیت‌تر از مشکلات مرمان بومی است. در واقع این مفهوم، فراخوانی در جهت پایان دادن به رویدادهای بوم‌زدایی، به سود سیاره زمین، اکوسیستم‌ها (بوم‌سازگان) و تمام موجوداتی است که، به طریقی به آن وابسته‌اند. در حال حاضر، هیچ‌گونه جرم‌انگاری از منظر بین‌المللی برای بوم‌زدایی وجود ندارد. بنابراین افرادی که مرتکب نابودی و تخریب محیط‌زیست و اکوسیستم‌ها (بوم‌سازگان)<sup>۷۵</sup> خواهند شد، محاکمه نمی‌گردند (Higgins et al., 2013). البته در این رابطه، یک جرم بین‌المللی تخریب محیط‌زیست به عنوان جنایت جنگی وجود دارد، اما در شرایط صلح کاربردی ندارد. همچنین تخریب و تهدیدها را نسبت به محیط‌زیست چه از ابعاد انسانی (نظیر نقش سرمایه‌داری<sup>۷۶</sup> و استخراج منابع در ایجاد این تهدیدها) و چه طبیعی پوشش نمی‌دهد. کمپین ریشه‌کن کردن بوم‌زدایی، ممکن است رویکرد کاملاً ضدسرمایه‌داری اتخاذ نکند و به جای تعریف تخریب محیط‌زیست در فرایند بوم‌زدایی، امکان دارد با درکی جامع از مسئله، آن را به عنوان یک بحران زیست‌محیطی در نظر گیرد.

موارد ذکر شده دارای اهمیت است زیرا کوول<sup>۷۷</sup> (Short, 2016, 62) اظهار می‌کند که: بحرانی که در حال حاضر به وقوع می‌پیوندد، نامربوط به انسان نیست و یک ضایعه دیرینه و در حال تکامل است. از سوی دیگر قابل ذکر است، این بحران تنها یک بحران زیست‌محیطی نیست بلکه یک بحران اکولوژیکی

- 69- March
- 70- Whanganui
- 71- New Zealand
- 72- Polly Higgins

۷۳- ر.ک به: Higgins et al., 2013

- 74- Eradicating Ecocide Campaign
- 75- ecosystems
- 76- capitalism
- 77- Kovel

و به هم پیوسته می‌باشد که علاوه بر خود طبیعت، سایر قسمت‌های مرتبط با آن را دچار آشفستگی می‌نماید. به تعبیری دیگر، بحران اکولوژیکی این امکان را دارد که شرایط تولید را هم دستخوش تغییر نماید. تولید<sup>۷۸</sup>، از نظر انسان بسیار بااهمیت است و به منابع انرژی، تکنولوژی و قسمت‌هایی که در پیشبرد آن ضروری می‌باشد، وابسته است.

البته، در حال حاضر ممکن است، بسیاری از محققین و فعالان علمی، در زمینه جرم‌شناسی سبز (و به طور گسترده تر) مطالعه نمایند و تخریب محیط زیست را در مقیاس وسیع و موقعیت‌های بی‌شمار، توصیف کنند. برخی از این موارد نیز ممکن است از اصطلاح بوم‌زدایی استفاده نمایند. اما در مقاله حاضر تفسیر آن متفاوت است. هیگینز<sup>۷۹</sup> (Short, 2016, 63)، بوم‌زدایی را چنین توصیف نموده است: آسیب‌های گسترده‌ای که، توسط سازمان‌های انسانی و علل دیگر، در جهت تخریب و صدمه به اکوسیستم‌های یک قلمرو (یا منطقه) خاص، روی داده و زندگی مسالمت‌آمیز (امرار معاش طبیعی) ساکنان آن قلمرو (یا منطقه) را کاهش داده است. این تعریف، مبنای اصلاحیه پیشنهادی اساسنامه رم<sup>۸۰</sup> است. معاهده‌ای که دادگاه بین‌المللی کیفری<sup>۸۱</sup> را تأسیس نمود و در تاریخ اول ژوئیه ۲۰۰۲ به بهره‌برداری رسید (Eradicating Ecocide, 2017). به طور خلاصه، بیان شده است که می‌توان هرگونه خسارت، تخریب و یا از بین رفتن اکوسیستم را به عنوان بوم‌زدایی در نظر گرفت. در تعریف بوم‌زدایی، واژه گسترده می‌تواند به مفهوم وسیع، طولانی مدت و یا شدید باشد. کمپین ریشه‌کن کردن بوم‌زدایی<sup>۸۲</sup> در معاهده<sup>۸۳</sup> ۱۹۷۷ در زمینه منع نظامی و نیروهای خصمانه دیگر (در استفاده از تکنیک‌های تصرف محیط‌زیست<sup>۸۴</sup>) اظهار می‌نماید: وسیع می‌تواند شامل مساحتی در حدود چند صد کیلومتر مربع گردد. طولانی مدت می‌تواند در حدود یک ماه تا یک فصل در نظر گرفته شود و واژه شدید می‌تواند معرف اختلال جدی یا قابل توجهی باشد که بر زندگی انسان، منابع طبیعی، اقتصادی و دارایی‌های دیگر تأثیرگذار است. بر اساس اساسنامه رم<sup>۸۵</sup>، دیوان کیفری بین‌المللی فقط می‌تواند به جرائم اصلی بین‌المللی که کشورها تمایل ندارند و یا نمی‌توانند به بررسی آن پردازند، رسیدگی نماید (ICC,

78- conditions of production

79- Higgins

80- Rome Statute

۸۱- دیوان کیفری بین‌المللی (International Criminal Court) اختصار (ICC) نخستین دادگاه دائمی بین‌المللی برای

رسیدگی به جرائم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز است که مقر آن در لاهه، هلند قرار دارد.

82- Eradicating Ecocide campaign

83- United Nations Convention

84- Environmental Modification Techniques

85- Rome Statute

2002). این چهار جنایت علیه صلح شامل نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز است. بنابراین مفهوم بوم‌زدایی، جنایت پنجمی علیه صلح است که در این تعریف، کمبود آن آشکار است (Higgins et al., 2013).

هیگینز<sup>۸۶</sup> (Short, 2016, 64)، به تعریف دو نوع بوم‌زدایی پرداخته است، اول، نوعی بوم‌زدایی که ناشی از عوامل انسانی است و توسط سازمانی انسانی روی داده است و فرد مسئول این فعالیت را می‌توان شناسایی کرد (البته هیگینز، خاطرنشان می‌کند که این بوم‌زدایی ناشی از فعالیت شرکت است). به عنوان مثال، می‌توان به فاجعه اکولوژیکی (زیست‌محیطی) شن‌های قیر آتاباسکا<sup>۸۷</sup> در آلبرتا<sup>۸۸</sup> اشاره نمود (Short, 2016, 184). دوم، نوعی بوم‌زدایی می‌باشد که توسط علل دیگر فاجعه‌آمیز (مانند حوادثی که خواست خداوند است<sup>۸۹</sup> و انسان در آن مؤثر نیست)، مانند سیل و زمین‌لرزه روی می‌دهد. این موارد را می‌توان بوم‌زدایی غیرقابل تشخیص لحاظ نمود. زیرا، هیچ‌گونه عامل متخلفی قابل شناسایی نیست. البته، با وجود این که نمی‌توان این نوع از بوم‌زدایی را متوقف نمود، اما در مواردی انسان می‌تواند به این عوامل شدت بخشد، یا آن‌ها را کاهش دهد. به طور مثال، ایجاد تغییر در زنجیره و انتشار کربن، این امکان را دارد که، باعث ایجاد تغییرات آب و هوایی گردد و در مواردی تأثیرات منفی بوم‌زدایی طبیعی را کاهش دهد (در واقع با مدیریت چرخه موردنظر از این گونه حوادث جلوگیری شود و وقوع این نوع از بوم‌زدایی هم می‌تواند به نوعی تحت تأثیر فعالیت‌های انسانی قرار گیرد).<sup>۹۰</sup>

کمپین آغاز شده توسط هیگینز<sup>۹۱</sup>، همچنان ادامه دارد و تشکیل کمپین‌های دیگر را نیز تقویت نموده است. در این رابطه، جنبش بوم‌زدایی بر روی سیاره زمین<sup>۹۲</sup>، با هدف در نظر گرفتن بوم‌زدایی به عنوان یک

86- Higgins

87- Athabasca tar sands

۸۸- آلبرتا (Alberta) یکی از استان‌های کانادا است.

89- Act of God

۹۰- مقالات و مطالب زیادی در این رابطه وجود دارد و در این جا مترجم به موارد زیر (یک مورد برنامه راهبردی ملی تغییر اقلیم است) اشاره کرده است.

https://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:10ZGK8-4q9wJ: https://www.doe.ir/portal/file/%3F970562/TNC.pdf+&cd=17&hl=en&ct=clnk&gl=ir

91- Higgins

92- End Ecocide on Earth (EEE)

End Ecocide on Earth is an international grassroots citizens movement founded in 2012, created to carry out a European Citizens Initiative calling for the European Parliament to recognise the crime of Ecocide. The movement grew into a fully international campaign focused on the recognition and addition of Ecocide to the Rome Statute as the 5th Crime against Peace alongside Genocide, War Crimes, Crimes of Aggression and Crimes

جرم در سراسر جهان، برپا شده است. از دیگر اهداف آن، تعریف اصطلاح بوم‌زدایی در اساسنامه رم<sup>۹۳</sup>، به عنوان یک جرم بین‌المللی علیه صلح است که، در حوزه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی قابل رسیدگی باشد. با توجه به جنبش بوم‌زدایی بر روی سیاره زمین، در صورتی که با اتحاد و پیوستگی، قدرت جمعی تقویت گردد، تغییر اساسی که به آن نیاز داریم، تحت عنوان یک جنبش جهانی روی خواهد داد و به واقعیت می‌پیوندد (Short, 2016, 64). همچنین جنبش بوم‌زدایی بر روی سیاره زمین، از طریق لابی<sup>۹۴</sup>، انتشار اطلاعات، بسیج (تحرك یا گردهمایی) جوامع مدنی<sup>۹۵</sup> و سازمان‌های مشابه، یک نوع شبکه طرفداری بین‌المللی در جهت محافظت از اکوسیستم‌ها (که تمام زندگی و حیات ما به آن وابسته می‌باشد) ایجاد نموده است. هیگینز<sup>۹۶</sup> و جنبش بوم‌زدایی بر روی سیاره زمین با هدف این که جرم بوم‌زدایی به عنوان یک جرم بین‌المللی در اساسنامه رم (در کنار جرائم به وضوح غیرانسانی، نظیر نسل‌کشی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و تجاوز) درج گردد، نگرانی‌های خود را نسبت به اقداماتی از این قبیل و پیامدهای انسانی آن، منعکس می‌نمایند.<sup>۹۷</sup> از جمله موارد بوم‌زدایی که می‌تواند در صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری قرار گیرند، می‌توان به جنایاتی اشاره نمود که ماهیت اکوستریک<sup>۹۸</sup> (اعمالی که ارزش ذاتی هر موجود را تهدید می‌کنند)<sup>۹۹</sup> دارند و بر اکوسیستم‌های سیاره زمین تأثیر منفی می‌گذارند.

جنبش بوم‌زدایی بر روی سیاره زمین، برقراری دادگاه کیفری بین‌المللی محیط‌زیست و بهداشت را (در یک هدف میان‌مدت برای اروپا و در یک هدف نهایی در سطح بین‌المللی) در منشور بروکسل بسط داده است. منشور بروکسل، همچنین خواستار درج عبارت فاجعه زیست‌محیطی<sup>۱۰۰</sup>، ذیل تعریف جنایت علیه بشریت است. بنابراین جنبه زیست‌محیطی را برای جنایاتی که قبلاً در حوزه قضایی دادگاه بین‌المللی کیفری بود، پیشنهاد نموده است. منشور ذکر گردیده، هم اکنون توسط هشتادوپنج سازمان در سطح جهان، پشتیبانی شده است. در این رابطه، جنبش بوم‌زدایی بر روی سیاره زمین نیز محکمه بین‌المللی

against humanity. International volunteers working on this initiative come from all walks of life many with legal, scientific and managerial backgrounds. <https://www.endecocide.org/en/who-we-are-2/>

93- Rome Statute

94- lobbying

95- civil society mobilization

96- Higgins

۹۷- ر.ک به: White, this issue

98- Ecocentric

99- <https://www.dictionary.com/browse/ecocentric>

100- environmental catastrophe

حقوق طبیعت<sup>۱۰۱</sup> را (در چهارچوب پیمان‌نامه سازمان ملل متحد در تغییر اقلیم<sup>۱۰۲</sup>) که در سال ۲۰۱۵ میلادی تأسیس شده است، رصد می‌نماید. چهارمین جلسه دادگاه، در کنار کنفرانس<sup>۱۰۳</sup>، برگزار شد و هفت مورد به عنوان نماینده مردمان بومی مورد بررسی قرار گرفت. شاهدان در مواردی، توصیف‌های وحشتناکی را از شرایط زندگی خود در نزدیکی معادن زغال سنگ، گاز و نفت ارائه می‌نمودند. برخی دیگر نیز، تأثیر پروژه‌های صنعتی و کشاورزی را بر تخریب جوامع روستایی و بومی بیان کردند. دیگر شاهدان نیز به دلیل دفاع از حقوق طبیعت، به عنوان مادر سرزمین مورد آزار، اذیت، حمله و جنایت قرار گرفته بودند. در جلسه دادگاه مذکور، مردم به عنوان شاهد و کارشناس مورد توجه بودند. موارد ذکر شده، همچنین نماینده مردمانی (که به محیط اکولوژیکی سرزمین خود وابسته‌اند<sup>۱۰۴</sup>) در نظر گرفته شدند که، در یک محیط در خطر انقراض زندگی می‌نمایند و بیشترین تأثیرات را از اعمال مرتبط با بوم‌زدایی متحمل گردیده‌اند (International Rights of Nature Tribunal, 2017).<sup>۱۰۵</sup>

### ۳- رابطه نسل‌زدایی و بوم‌زدایی

در این قسمت درک جامعه‌شناسی وسیع‌تری را نسبت به اعمال بوم‌زدایی خواهیم یافت که اغلب با سیاست‌هایی شبیه به نازی‌ها در نابودی و کشتار دسته‌جمعی، برابری می‌نماید (Shaw, 2007, 48). درک مفهوم نسل‌کشی به این دلیل که به عنوان یک فرایند مرتبط با زمینه فرهنگی است، بسیار بااهمیت می‌باشد. در واقع زمینه فرهنگ، تمامیت و سلامت ساختاری و جسمی یک جامعه را مانند یک چسب حفظ می‌نماید (Van Kreiken, 2004) و (Schaller, 2008). علاوه بر این، رابطه دیگری نیز میان بوم‌زدایی (نابودی هدفمند اکوسیستم) و نسل‌زدایی وجود دارد. این رابطه به اهمیت اکوسیستم، سبک زندگی افراد و فرهنگ و هویت آن‌ها باز می‌گردد. در واقع، بوم‌زدایی با از بین بردن قلمرو زندگی مردم بومی و پیامدهای دیگر آن، منجر به نسل‌کشی و همچنین تغییر گسترده سبک زندگی و فرهنگ آن‌ها خواهد شد (Brisman, 2013, 263) و (Abed, 2006, 326). از نظر حقوق‌دان لهستانی رافائل لمکین<sup>۱۰۶</sup>، زمینه فرهنگی که در هر گروه (یا نسل)، متفاوت و منحصر به فرد است (و شایسته حفاظت می‌باشد)، منشاء

101- International Tribunal on the Rights of Nature

102- United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

103- COP 23 2017

104- Ecologically embedded peoples

۱۰۵- ر.ک به:

Goyes et al., 2017; for examples of campaigns of resistance by local communities, see, for example, <https://savevirunga.com/>

106- Raphael Lemkin

پیدایش مفهوم بوم‌زدایی گردیده است (Crook and Short, 2014). بنابراین از نظر رافائل لمکین، این فرهنگ منحصر به فرد هر نسل<sup>۱۰۷</sup> است که در مفهوم بوم‌زدایی حائز اهمیت می‌باشد و آن را بارزتر می‌نماید. در واقع در یک مجموعه<sup>۱۰۸</sup> برقراری<sup>۱۰۹</sup> تمامی سطوح زیستی<sup>۱۱۰</sup>، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به یکدیگر وابسته‌اند. در نتیجه، حمله و ایجاد صدمه در هر یک از اجزای اساسی این گروه (همان‌طور که رافائل لمکین عقیده دارد) می‌تواند تمامی ساختار آن را به طرز فجیعی معیوب نماید و باعث مرگ اجتماعی<sup>۱۱۱</sup> شود (Card, 2003) و (Short, 2010a, 48). به عبارتی دیگر، انواع تخریب و صدمه فرهنگی، دقیقاً به اندازه نابودی فیزیکی، منجر به انحلال ساختار گروه می‌گردد.

متأسفانه در طول نزاع‌های سیاسی طولانی مدت بر سر پیش‌نویس و همچنین تصویب پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی در سال ۱۹۴۸ میلادی (کنوانسیون ملل متحد<sup>۱۱۲</sup>)، مسئله نسل‌زدایی فرهنگی<sup>۱۱۳</sup> به عنوان یک مسئله لاینحل باقی مانده است. همچنین، اشاره به آن فقط به صورت ابزاری می‌باشد (تضعیف شده<sup>۱۱۴</sup>) و به طور کامل مورد توجه قرار نگرفته است (Curthoys and Docker, 2008, 14) و (Kuper, 1981, 31) و (Moses, 2004, 542).

همان‌طور که پاول<sup>۱۱۵</sup> (2007, 532)، استدلال می‌نماید که، کنوانسیون مذکور به تمایل پدید آوردگان آن به جرم‌انگاری جنایات علیه گروه‌های فرهنگی نپرداخته است و این مسئله را به دیگر کنوانسیون‌های حقوق بشر و حقوق اقلیت<sup>۱۱۶</sup> واگذار نموده است. از نکات دیگر نیز می‌توان به این مورد اشاره نمود که، مرگ اجتماعی<sup>۱۱۷</sup>، یک شرط اساسی در متمایز نمودن نسل‌زدایی از جنایت علیه بشریت و قتل عام است (Short, 2010b, 840). به این ترتیب، با توجه به این که اکوسیستم و سرزمین، بانسلی<sup>۱۱۸</sup>

#### 107- genos

۱۰۸- در متن ارگانیک (organic) ذکر شده است، می‌تواند به یک موجود زنده، یک منشاء طبیعی برگردد. این اصطلاح در هر متن تخصصی ممکن است معنای خاصی داشته باشد.

۱۰۹- در متن همزیستی (symbiotically) ذکر شده است که یک واژه تخصصی دیگر است اما در این جا ممکن است معنای برقراری ارتباط را بدهد.

#### 110- biological

#### 111- social death

#### 112- United Nations Convention

#### 113- cultural' genocide

#### 114- bowdlerization

#### 115- Powell

#### 116- human rights and minority rights

#### 117- Social death

#### 118- genos

که در آن زندگی می‌نماید، پیوند عمیقی دارد، بنابراین، نابودی اکولوژیکی-زیست محیطی (نابودی که اکوسیستم و ارتباط و پایداری میان اجزای زنده و غیر زنده آن را در هم خواهد شکست) می‌تواند منجر به مرگ اجتماعی شود. به بیانی دیگر، فرایند مذکور منجر به نوعی از نسل‌زدایی می‌شود که، منشاء آن تغییر در شرایط اکولوژیکی آن نسل است (Crook and Short, 2014). درک رافائل لمکین از نسل‌زدایی، موجب گردید، پیوند میان نسل‌زدایی و استعمارگرایی نیز مورد توجه قرار گیرد. زیرا، نسل‌زدایی از دو قسمت تخریب زندگی مردم بومی و جایگزینی آن با الگویی دیگر شده است که، توسط رافائل لمکین، از آن به عنوان طرح ملی استعمارگران<sup>۱۱۹</sup> یاد شده است.

در کتاب<sup>۱۲۰</sup> رافائل لمکین، او اولین بار اصطلاح نسل‌زدایی<sup>۱۲۱</sup> را به کار برد. علاوه بر این، رافائل لمکین اثر مهم<sup>۱۲۲</sup> دیگری به نام تاریخچه نسل‌زدایی<sup>۱۲۳</sup> دارد که، منتشر نشده است. هر دو آثار ذکر گردیده، آگاهانه تدوین شده است تا به نقد حقوقی و اخلاقی سنت دیرینه استعمارگرایی اروپایی‌ها پردازند. قدمت استعمارگرایی مذکور، به فتح قاره آمریکا در قرن شانزدهم، توسط اسپانیایی‌ها برمی‌گردد. بنابراین، برخلاف تصور عامه، شکل‌گیری مفهوم نسل‌زدایی، ناشی از نسل‌زدایی مربوط به هولوکاست یا آرامنه نمی‌باشد. به این ترتیب، دسته‌بندی‌ها و ویژگی‌های نسل‌زدایی که، در رابطه با پیوند عمیق میان استعمارگرایی و زمینه فرهنگی می‌باشد، نادیده گرفته شده است. در این رابطه، متأسفانه کم‌کاری (ظلم) کنوانسیون سازمان ملل متحد<sup>۱۲۴</sup>، مصلحت‌های سیاسی جنگ سرد<sup>۱۲۵</sup> و اثرات آن بر تحقیقات، به خصوص تحقیقات مربوط به نسل‌زدایی، موجب کم‌اثر شدن رویکرد (بعد) انتقادی نسل‌زدایی، راجع به مسائل فرهنگی مهم آن شده است.

به این ترتیب، دقیقاً دسته‌بندی و ویژگی‌های نسل‌زدایی که، مرتبط با زمینه فرهنگی و پیوند مهم آن با استعمارگرایی است (مانند صدمه به تاریخچه، زندگی و فرهنگ آسب‌پذیر مردمان بومی در سراسر جهان)، نادیده گرفته شده است. در حقیقت فرایندهای تخریب اکولوژیکی (زیست محیطی) که در عصر حاضر در حال وقوع می‌باشد و منجر به قطع رابطه بین سرزمین و نسل بومی آن شده است (مانند فرایندهای بارز صنعتی، کشاورزی، بهره‌برداری و غیره)، مقدمه‌ای را برای اقدامات استعمارگرایی همراه

119- National pattern of the colonizers

120- Axis Rule in Occupied Europe (1944)

121- genocide

122- magnum opus

123- History of genocide

124- UN Convention

125- political expediencies of the Cold War



خشونت و اعمال زور، شکل داده است (که تدریجاً در گام‌های بعدی روی خواهد داد). به این ترتیب، سرزمین نسل‌های بومی، به صورت تدریجی از آن‌ها سلب مالکیت<sup>۱۲۶</sup> می‌گردد (Harvey, 2003).

#### ۴- تبارشناسی ساختار پویای نسل‌زدایی<sup>۱۲۷</sup>

کراک<sup>۱۲۸</sup> و شارث<sup>۱۲۹</sup> (۲۰۱۴)، اظهار نموده‌اند، نسل‌زدایی از نوع اکولوژیکی<sup>۱۳۰</sup> (یا نسل‌زدایی که در آن تخریب محیط‌زیست عامل اصلی است) و به طور دقیق‌تر، ارتباط میان شیوه‌های سیستم تولید در نظام سرمایه‌داری<sup>۱۳۱</sup> و مردمان بومی (مردمانی که، زندگی آن‌ها در محل رخداد این فرایندها واقع شده)، در طول تاریخ تغییر نموده و جهش یافته است. در دوره پس از جنگ جهانی دوم و اخیراً در دوره سیاست به رسمیت شناختن<sup>۱۳۲</sup> (Coulthard, 2014) و دوره اصلاح<sup>۱۳۳</sup> (Short, 2007)، در محل‌هایی که مهاجرین استعمارگر جدید آمده‌اند، الگوی محو نمودن<sup>۱۳۴</sup>، از طریق طرح‌های معدن‌کاری صنعتی، کشاورزی و حتی پارک‌های ملی، در جهت ایجاد شرایط استعمارگری به اجرا در آمده است.

در این رابطه، با توجه به مطالعات محققین علوم زمین و زمین‌شناسی، در مرحله فعلی سرمایه‌داری، رابطه طبیعت و جامعه با توجه به رویدادهایی که منشاء آن به انسان<sup>۱۳۵</sup> باز می‌گردد، دگرگون شده است. این تغییرات انسانی (تغییرات با منشاء انسانی) در زمین‌شناسی (لایه‌های زمین)، به عنوان دوره زمین‌شناسی آنتروپوسن<sup>۱۳۶</sup>

126- accumulation by dispossession (ABD)

127- genealogy of genocidal structuring dynamics

128- Crook

129- Short

130- ecologically induced genocide

دو ترجمه از اصطلاح مذکور نوشته شد تا در نهایت مناسب‌ترین انتخاب شود.

131- capitalist mode of production (MOP)

اصطلاح ذکر شده تخصصی است، رفرنس ترجمه آن از سایت زیر می‌باشد.

[https://en.wikipedia.org/wiki/Capitalist\\_mode\\_of\\_production\\_\(Marxist\\_theory\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Capitalist_mode_of_production_(Marxist_theory))

132- recognition politics

133- reconciliation

134- logic of elimination

135- anthropogenic rift

136- Anthropocene

آنتروپوسن دوره‌ای است که در آن فعالیت‌های انسانی با تغییر خصوصیات لایه‌های زمین در اثر فعالیت‌های گسترده، دوره‌ای جدید را در دوران زمین‌شناسی ایجاد نموده‌اند. از دلایل ایجاد این دوره: دورانی که آزمایش‌های اتمی لایه‌ای جدید از مواد رادیواکتیو را روی سطح زمین ایجاد کرد. البته موارد دیگری از قبیل آلودگی پلاستیکی، دوده‌های ناشی از نیروگاه‌ها، بتن و حتی استخوان‌های به جا مانده از تکثیر جهانی طیور در آغاز این دوران جدید تأثیرگذار بوده‌اند.

شناخته می‌شود (Brisman and South, 2018) و (Zalasiewicz et al., 2008). موارد ذکر شده، به همراه روند سریع تغییرات آب و هوایی، نشانه‌ای از تغییر بنیادین و بسیار نامطلوب در رابطه بین بشر و طبیعت است. علت این تغییرات نامطلوب را می‌توان در سرمایه‌داری مبتنی بر رشد جستجو نمود که، با واقعیت محدودیت منابع فیزیکی همخوانی ندارد. با توجه به این که طبیعت (جهان) دارای منابع محدود است، سرمایه‌داری با واقعیت توسعه‌پایدار (یا توسعه‌ای که موجب تخریب اکولوژیکی سرزمین نگردد) تناقض دارد (Short, 2016m188). شیوه سرمایه‌داری که مبتنی بر بازتولید-تولید<sup>۱۳۷</sup> اجتماعی می‌باشد، دارای ذاتی ضد اکولوژیکی و تحریک‌کننده عوامل ایجاد جرم‌زیست محیطی<sup>۱۳۸</sup> (eco-criminogenic) است. در حقیقت، بحران‌های آب و هوایی، آغاز شدن دوره زمین‌شناسی آنتروپوسن و بوم‌زدایی (در اثر عوامل طبیعی یا انسانی)، محرک‌های اصلی (یا شاید بشود مقدماتی تعبیر نمود که سرانجام مشخص دارد) نسل‌زدایی خواهند شد.

سازوکارهای (اجزاء) ساختاری سرمایه‌داری در تخریب زیست‌محیطی، با در نظر گرفتن نقش محوری سرمایه‌داری در تصرف ارزش‌های طبیعت، کاملاً آشکار می‌گردد. به عبارت دیگر ما باید تاریخچه بشر را از منظر تولید اجتماعی ناشی از سرمایه‌داری، مورد بررسی قرار دهیم که، علاوه بر نیازهای فرهنگی و زیبایی‌شناختی، شامل نیازهای اساسی تأمین غذا، پوشاک و پناه‌گاه (مسکن) نیز می‌شود (Crook and Short, 2014, 299). به عبارتی، با توجه به این منظر، می‌توان، نیروهای مولد تولید را که شامل ابزار، تکنیک‌ها، نیروی کار، شرایط ذاتی، منابع طبیعی و مواد اولیه است، شناسایی نمود. مواردی که ذکر شد برای مهیا نمودن ثروت (یا سرمایه‌داری)، ضروری است. همچنین قابل ذکر است که شرایط تولید (در نظام سرمایه‌داری)، شرایطی است که، در آن قدرت به شکل نابرابری (بین طبقات، نژادها

### 137- social (re)production

رفرنس‌ها و مطالعات مترجم برای واژه‌شناسی متن: خود مارکس از بازتولید اجتماعی برای اشاره به بازتولید تمامیت شیوه تولید سرمایه‌داری استفاده می‌کند که در نتیجه تولید کلیه کالاها و خدمات و توزیع در سپهر عمومی در کنار سپهر خصوصی را در برمی‌گیرد. تعریف رفرنس دوم. تعریف رفرنس چهارم (آخرین). تعریف دقیق‌تر مقاله است و می‌شود رفرنس داد. به عبارت دیگر، نظام مذکور، صرفاً در یک مکانیسم تولید و شیوه مدیریت اقتصاد جامعه، تعریف و خلاصه نمی‌شود، بلکه به مثابه یک نظام فراگیر، شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، اقتصاد، سیاست، امنیت و نیز فرهنگ خاص و مطلوب خود است، که در نتیجه حاکمیت آن (نظام سرمایه‌داری)، طبیعتاً و الزاماً، سبک زندگی خاصی را توصیه، تبلیغ، نهادینه و بازتولید می‌کند. به عبارت دیگر، نظام سرمایه‌داری، انسان‌سازی و جامعه‌سازی می‌کند. هرچند به تعبیر «اسپیواک»، در تلاش برای انکار و اختفای تار و پود بافته خود و عدم افشای ابعاد فرهنگی - اجتماعی خویش است.

۱۳۸- تعبیر مترجم می‌باشد و قطعاً خود واژه لاتین بهترین اصطلاح است.

و گونه‌ها)<sup>۱۳۹</sup> تقسیم، بهره‌بردار (بهره‌برداری که روابط اجتماعی را تغییر می‌دهد) و سازمان‌دهی شده است. خصوصیات مخرب زیست‌محیطی که در نظام سرمایه‌داری وجود دارد، به شرایط طبیعی جاودانه (Marx, 1976, ch.7) و چرخه‌های متابولیک طبیعی، فشار می‌آورد (آن‌ها را نقض می‌نماید).

در شیوه تولید سرمایه‌داری، نیازهای اجتماعی در جهت انباشت سرمایه و سود در نظام سرمایه‌داری، تأمین می‌شود (یا به وجود می‌آید). در این رابطه هر کالایی که به بازار عرضه می‌شود، از نظر ارزش مصرفی و مبادله‌ای دارای اهمیت است که، در ارزش مبادله‌ای، نیروی کار اجتماعی حائز اهمیت باشد. با توجه به دو ویژگی یاد شده، می‌توان به منشاء ویژگی‌های ضد اکولوژیکی سرمایه‌داری پی‌برد. دیدگاهی که به طبیعت به عنوان یک کالا می‌نگرد (کالایی شدن طبیعت)، منجر به این می‌شود که، ارزش طبیعت در تولید ثروت کاهش یابد. زیرا در تولید ثروت، زمان کار لازم اجتماعی<sup>۱۴۰</sup> بسیار با اهمیت است. علاوه بر این، نقص یاد شده در ارزش‌دهی و تولید کالا، منجر به همگن‌سازی مصنوعی طبیعت<sup>۱۴۱</sup> و تکه‌تکه شدن اکوسیستم‌های محلی می‌گردد. زیرا به هر دو فقط از منظر کالایی در سیستم جهانی تولید کالا نگریسته می‌شود. در واقع، به طبیعت فقط به عنوان یک کالا یا جنس ارزش داده می‌شود که، منبعی از منابع تأمین‌کننده مواد است (Vetlesen, 2017).

در واقع در نظام سرمایه‌داری، جستجوی سرمایه بی‌پایان و تولید گسترده، منتج به تمرکز بی‌فایده و ظالمانه‌ای در ارزش مبادلات و کالاها گشته است. در حالی که این فرایند، زیست محیطی-اکولوژیکی می‌باشد (از نظر اکولوژیست‌ها) و می‌تواند با تغییر جریان مواد و انرژی و همچنین تشدید فشار بر روی سیستم‌های متابولیکی اجتماعی (که در اثر نظام سرمایه‌داری ایجاد شده است)، منجر به تأثیر گسترده چرخه متابولیک در بیوسفر طبیعت گردد (Burkett, 2014) و (Foster, 2000) و (Stretesky et al., 2013). به عبارتی می‌توان بیان نمود، به همان اندازه که طبیعت بخشی از یک ارگانسیم می‌باشد، سازمان اجتماعی

139- race, class, caste, species

140- socially necessary labour time

تعاریف موجود در دیکشنری:

The simplest definition of socially necessary labour time is the amount of labour time performed by a worker of average skill and productivity, working with tools of the average productive potential, to produce a given commodity. This is an "average unit labour-cost", measured in working hours.

141- Homogenization or homogenisation is any of several processes used to make a mixture of two mutually non-soluble liquids the same throughout. This is achieved by turning one of the liquids into a state consisting of extremely small particles distributed uniformly throughout the other liquid.

نیز هست. به این ترتیب، در نظر نگرفتن خصوصیتی از طبیعت که، بر سازمان اجتماعی (شرایط تولید) نظام سرمایه‌داری مؤثر است و در جهت انجام کار اضافه‌تر از مایحتاج (وابسته به بازار) اتخاذ شده است، امکان پذیر نیست، زیرا محدودیت‌های طبیعی را نادیده می‌گیرد.

همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، بیگانگی یا تعرض نسبت به طبیعت و توسعه مرزها (یا حاشیه)، توسط اندرسون<sup>۱۴۲</sup> (2016) شرح داده شده است. توسعه، حاشیه (مرز) بین جهان سرمایه‌داری در حال گسترش و نشاط اجتماعی (تجدید حیات اجتماعی) جهان غیرسرمایه‌داری نامیده می‌شود. در واقع تفاوت این دو سبک زندگی در نسل‌زدایی و بوم‌زدایی مرمون بومی با فرهنگ و روابط اجتماعی متفاوت است که در جهت ایجاد رویکردهای اقتصادی سیاسی موردنظر ایجاد می‌گردد. برای یک مثال امروزی از شکاف متابولیکی (عدم توازن متابولیکی)<sup>۱۴۳</sup> که با نسل‌کشی مردمان بومی، موجب تغییر شرایط اکولوژیکی-زیست محیطی می‌شود، می‌توان به چرخه انرژی (توسعه در استخراج انرژی)<sup>۱۴۴</sup> مراجعه نمود. در این چرخه، با گذشت زمان، روند استخراج انرژی رشد یافته و غیرمتعارف (خطرناک) گردیده است. در این رابطه، با روش‌های نوین مورد استفاده، انرژی به شکل آسان‌تری از منابع به دست می‌آید (Short, 2016, 52). مثالی از موارد ذکر شده را می‌توان در تقاضای سیری‌ناپذیر بازار جهانی، نسبت به سوخت‌های فسیلی یافت که، ریشه در سرمایه‌داری سوخت فسیلی دارد (Malm, 2016) و (Angus, 2016).

مثال‌شن‌های قیر آتاباسکا، در آلبرتا که قبلاً ذکر گردید، می‌تواند به عنوان یک نمونه بارز، از توسعه در استخراج انرژی<sup>۱۴۵</sup>، مورد بررسی قرار گیرد. در این مورد که قطعه‌قطعه شدن<sup>۱۴۶</sup> و دسته‌بندی مصنوعی (ناشی از عوامل انسانی) اکوسیستم‌های محلی در اثر استخراج نفت صورت می‌گیرد، صرفنظر از اثرات ضد اکولوژیکی که بر جریان انرژی و مواد در اکوسیستم محلی دارد، در نهایت بر جمعیت بومی ساکن در محل نیز تأثیر گذار است. همچنین قابل ذکر است، موارد یاد شده علاوه بر تأثیر در محل، با تأثیر بر محیط پیرامون و آلوده نمودن (تأثیر نامطلوب) آبراه‌های آبی (جریان‌های آبی)، موجب ایجاد تأثیر فحیعی بر سلامت جسمی و فرهنگی مردم بومی گردیده است. از این تأثیرات می‌توان ابتلا به سرطان خون<sup>۱۴۷</sup> و غده

142- Anderson

143- metabolic rift

144- extreme energy

نظر مترجم: با معنای تحت الفظی مطابقت ندارد اما یک اصطلاح است و باید معادل فارسی را یافت.

145- extreme energy

نظر مترجم: با معنای تحت الفظی مطابقت ندارد اما یک اصطلاح است و باید معادل فارسی را یافت.

146- fragmentation

147- leukaemia

مرکب از بافت لئفاوی<sup>۱۴۸</sup>، اشاره نمود (Peterson, 2007). به عبارتی می‌توان بیان نمود، مبارزه با معادن صنعتی، مبارزه برای بقاء است. همان‌طور که<sup>۱۴۹</sup> جورج پویتراس<sup>۱۵۰</sup> در فورت چیپویان<sup>۱۵۱</sup>، بیان نموده است: اگر ما سرزمین و جایی نداریم که بتوانیم زندگی سنتی داشته باشیم، در واقع جامعه خود را از دست داده‌ایم. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت، اگر سرزمینی وجود نداشته باشد، معادل نسل‌زدایی یک قوم (ملت) در نظر گرفته می‌شود (Short, 2016, 181). برای مردمان بومی و ساکن در یک محل، وجود سرزمین بهایی معادل زندگی دارد (Wolfe, 2006, 387).

### ۵- از بین بردن (تضعیف) اقتصاد سیاسی ناشی از بوم‌زدایی-نسل‌زدایی<sup>۱۵۲</sup>

برای متوجه شدن ارتباط میان بوم‌زدایی و نسل‌زدایی مردمان بومی در جهان، ابتدا باید اقتصاد سیاسی ناشی از نسل‌زدایی را درک نمود. علاوه بر این، موارد ذکر شده در ارتباط با فرایندهای صنعتی می‌باشد که، در جریان بازتولید سرمایه توسعه یافته است. از دیگر موارد نیز می‌توان به فرایندهای غیراقتصادی مانند غارت و چپاول سرزمین گروه‌های اجتماعی اشاره نمود. در این اقدامات با ایجاد حصار (ایجاد مرزهایی که ورود را غیرممکن نماید) و مالکیت خصوصی که بر جوامع تحمیل می‌نمایند، افراد را نسبت به سرزمین‌های خود بیگانه می‌کنند. به عبارت دیگر، سیاست توسعه ارزی و اقتصادی مهاجرین استعمارگر در تعرض و سلب مالکیت زمین‌های مردم بومی شکل می‌گیرد (Short, 2010b, 837). از دیگر موارد متفاوتی که در این زمینه وجود دارد نیز می‌توان به رفتارهای خشونت‌آمیز و غارتگرانه (مرتبط با روابط فئودالی) اشاره نمود (Marx, 1976, chs32) و (Glassman, 2006). موارد ذکر شده، فرایند اصلی شکل‌گیری ماهیت استعمارگرایی را تشکیل می‌دهند و به عبارتی دیگر، ایجاد قلمرو ارضی و حاکمیت استعماری، ویژگی به خصوص استعمارگر است (Wolfe, 2006, 388). علاوه بر این، از نظر دیدگاه جرم‌شناسی سبز (و فلسفه اخلاقی)، تنها جوامع انسانی استعمار نشده‌اند، بلکه گونه‌های غیرانسانی (یعنی حیوانات) و قلمرو آن‌ها هم تحت تعرض و نابودی استعمارگران قرار می‌گیرند.<sup>۱۵۳</sup>

اساساً اقتصاد سیاسی نسل‌زدایی، شامل فرایندی است که، در ابتدا از طریق ایجاد شرایط قانونی و تدوین

148- lymphoma

149- A Mikisew Cree First Nation member in Fort Chipewyan

150- George Poitras

151- Fort Chipewyan

152- Discussion: The architecture of dispossession and the political economy of ecocidal-genocide

۱۵۳- ر.ک. به: Donaldson and Kymlicka, 2011

حقوقی لازم (در قالب رژیم‌های خصوصی)، از صلاحیت قانونی و سیاسی مهاجرین استعماری، در جهت تسهیل و تقویت کنترل قانونی سرزمین‌های بومی حمایت می‌نماید. فرایندهای مختلف مخرب محیط‌زیست، همچنان ادامه دارد. از این موارد می‌توان به مردمان بومی ساکن در کشورهای اشاره کرد که، تحت استعمار قرار گرفته‌اند و هنوز روابط خود را از لحاظ سیاسی، قانونی و قلمرو با جمعیت بومی اولیه تجزیه نکرده‌اند، مانند استرالیا (Short, 2007, 2010a, 2010b, 2016) یا کانادا (Samson, 2003) و (Huseman and Short, 2012) و (Crook and Short, 2014). این موارد یک تجربه امروزی از موارد ذکر شده است.

### نتیجه<sup>۱۵۴</sup>

در اواخر سال ۲۰۱۶ میلادی، کمپین بوم‌زدایی بر روی سیاره زمین، به پیشرفت‌های بیشتری برای تعریف مفهوم بوم‌زدایی، به عنوان یک جرم بین‌المللی دست یافت. به این ترتیب کمپین بوم‌زدایی بر روی سیاره زمین و متخصصان دیگر در سراسر جهان، اصلاحات پیشنهادی خود را در اساسنامه رم مطرح نمودند. همان‌طور که در متن ذکر گردید، اساسنامه رم، منشوری است که دیوان کیفری بین‌المللی را تأسیس کرد و اختیارات و کارکردهای آن را تعریف نمود. کمپین بوم‌زدایی بر روی سیاره زمین، در نظر دارد که با تلاش‌های صورت گرفته، بوم‌زدایی، به عنوان یک جرم در زمان صلح هم به رسمیت شناخته شود. همچنین، در این راستا، یک چهارچوب حقوق جزایی بین‌المللی (از طریق تعریف اصل قانونی) ایجاد کند و در نهایت امنیت سیاره زمین، یعنی محافظت از مردم جهان و سیستم‌های اکولوژیکی (در جهت حمایت از شرایط زندگی روی زمین و مطابق مرزهای شناخته شده) را تضمین نماید. در سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی، دادستانی در دیوان کیفری بین‌المللی در لاهه، در عملی دلگرم‌کننده، برای اولین بار نگرانی خود را نسبت به تصرف زمین و آسیب‌های زیست‌محیطی اعلام نمود. در بند چهل و یکم<sup>۱۵۵</sup> آمده است: دفتر نسبت به جرائمی (مرتبط با اساسنامه رم) که منجر به تخریب محیط‌زیست، بهره‌برداری غیرقانونی منابع طبیعی و تصرف زمین می‌شوند، پیگرد قانونی ویژه‌ای اعمال خواهد نمود (Vidal and Bowcott, 2016).

چنین اعمالی لازم است. مرکز تاب آوری استکهلم<sup>۱۵۶</sup> تعداد نه مرز را بر روی سیاره زمین مشخص می‌نماید که، برای یک زندگی پایدار اهمیت دارند. از این تعداد، چهار مرز بسیار حساس هستند که، نقض آن‌ها موجب پدید آمدن وقایع فاجعه‌باری<sup>۱۵۷</sup> می‌گردد. علیرغم مطالب ذکر شده، طبق گزارش‌ها،

154- Conclusion

155- the ICC Policy paper on case selection and prioritization

156- Stockholm Resilience Centre

157- catastrophic

چهار مورد از این مرزها، قبلا توسط تغییرات اقلیمی، تغییر خصوصیات زمین، از دست رفتن زیست کره<sup>۱۵۸</sup> و تغییر چرخه‌های زیست زمین شیمیایی، نقض شده‌اند. همان‌طور که مرکز تاب آوری استکهلم خاطر نشان می‌نماید، رعایت نکردن مرزها و تجاوز به آن توسط فعالیت‌های انسانی، می‌تواند موجب تغییر ناخواسته سیاره زمین (به عنوان یک سیستم) گردد. علاوه بر این، موجب کاهش اثر اقداماتی می‌شود که، برای ریشه کن نمودن فقر در جریان است و از سویی دیگر سلامتی زندگی انسان‌ها را به مخاطره می‌اندازد (Stockholm Resilience Centre, 2017). اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده در برابر جرائم بوم‌زدایی، یک روش مؤثر در جهت رفع نقض مرزها (تخطی از مرزها) می‌باشد. دانلپ<sup>۱۵۹</sup> (2018, 558) بیان می‌نماید که بوم‌زدایی-نسل‌زدایی در یک پروسه طولانی مدت، پیوسته و با اجبار توسط روش‌ها و وسیله‌های مختلف روی می‌دهند.

استعمار، امپریالیسم<sup>۱۶۰</sup> و تشکیلات اقتصادی تجاری فراملی<sup>۱۶۱</sup> (در اوایل قرن هجدهم و نوزدهم میلادی)، در پی دستیابی به مزایای سرمایه‌گذاری مالی خارجی و ارجحیت دانش علمی غربی/سفید<sup>۱۶۲</sup> به وجود آمده‌اند که، منجر به تحمیل هزینه‌های سنگین انسانی و زیست‌محیطی شده است.<sup>۱۶۳</sup> در این رابطه نظم حقوق بین‌الملل نیز از طریق خشونت معرفت‌شناختی<sup>۱۶۴</sup> از غارت و تخریب حمایت نموده است (Lindgren, 2018). امروزه منافع حاصل از پسااستعمار<sup>۱۶۵</sup> و امپریالیسم شرکتی مدرن<sup>۱۶۶</sup>، در رابطه با ادعای رشد اقتصادی پایدار و وجود راه‌حل‌های علمی و فنی، بر محدودیت‌های طبیعی موجود و خطرات ناشی از عوامل انسانی چیره شده است. هرچند که اکنون در جهانی پسااستعمار<sup>۱۶۷</sup> به مردمان بومی بیشتر توجه می‌شود و تحت حمایت سازمان‌های بین‌المللی متخلفی قرار می‌گیرند. از این سازمان‌ها می‌توان به مجمع

158- biosphere

159- Dunlap

160- imperialism

161- transnational commercial enterprise

162- western/white

۱۶۳- ر.ک به: Davis, 2001

164- epistemic violence

The international legal order aided and abetted plunder and destruction through epistemic violence (Lindgren, 2018).

165- post-colonialism

166- modern corporate imperialism

167- post-colonial

دائمی سازمان ملل متحد<sup>۱۶۸</sup> (در مورد موضوعات افراد بومی)، مجمع ملل اول<sup>۱۶۹</sup>، « Survival International»<sup>۱۷۰</sup>، شورای جهانی مردمان بومی<sup>۱۷۱</sup> و شبکه محیط زیست بومی<sup>۱۷۲</sup> اشاره نمود. <sup>۱۷۳</sup> علاوه موارد ذکر شده، ایالت‌های متخلف امریکای لاتین، تابعیت چندفرهنگی و گروه‌های بومی را در حقوق و قوانین اساسی به رسمیت می‌شناسند.

با این وجود، موفورث<sup>۱۷۴</sup> (2014)، استدلال می‌نماید، رشد حقوق جمعیت‌های بومیان در واقعیت کمتر از مقالات مورد توجه قرار گرفته است: آشکار است که جمعیت‌های بومی به رسمیت شناخته شده‌اند. اما، این نیز واضح است که، به رسمیت شناختن شدن قانونی، به معنای احترام به حقوق، قلمروها، منابع و فرهنگ‌های بومیان نیست. در واقع هنوز هم دولت‌ها، شرکت‌ها، الوارسازها، کشاورزان کمپسینو<sup>۱۷۵</sup> و شرکت‌های پرورش دام در جستجوی زمین و منابع مورد نیاز خود هستند و همچنان به یافتن راه‌حل ادامه می‌دهند. برای در نظر گرفتن اهمیت مضامین قبلی قدرت و دانش اسمیت<sup>۱۷۶</sup> (1999, 1)، بیان می‌نماید: تاریخ نشان داده است، با وجود این که ممکن است قوانین در خدمت انسان‌ها باشند، اما کاملاً در خدمت سیاره زمین نبوده است و حقوق انسان‌ها به طور یکسان رعایت نگردیده است. بنابراین برای پیشگیری از بوم‌زدایی و نسل‌زدایی، قوانین باید به شکل بهتری عمل نمایند.

#### 168- United Nations Permanent Forum

۱۶۹- مجمع ملل اول (Assembly of First Nations) مجمع‌ای از ملل اول کانادا است که توسط روسای آن‌ها نمایندگی می‌شود. این انجمن که در سال ۱۹۸۲ و با الگوبرداری از مجمع عمومی سازمان ملل متحد تأسیس شد، از اخوان ملی هند که در اواخر دهه ۱۹۷۰ منحل شد، پدید آمد.

۱۷۰- یک سازمان حقوق بشری است که در سال ۱۹۶۹ تشکیل شد، یک مؤسسه خیریه مستقر در لندن که برای حقوق مردمان بومی و/یا قبیله‌ای و مردم بدون تماس کمپین می‌کند. کمپین‌های این سازمان عموماً بر خواسته‌های افراد قبیله‌ای برای حفظ سرزمین‌های اجدادی خود متمرکز است.

۱۷۱- شورای جهانی مردمان بومی (the World Council of Indigenous Peoples) یک نهاد بین‌المللی رسمی بود که به پذیرش مفاهیم حقوق بومیان در مقیاس جهانی اختصاص داشت. WCIP در سازمان ملل متحد، دبیرخانه‌ای مستقر در کانادا و بیش از شصت میلیون مردم بومی در سراسر جهان را نمایندگی می‌کرد، وضعیت ناظر داشت.

۱۷۲- شبکه محیط زیست بومی (Indigenous Environmental Network) ائتلافی از فعالان عدالت زیست محیطی بومی و مردمی است که عمدتاً در ایالات متحده امریکا مستقر هستند. اعضای گروه نگرانی‌های بومیان امریکا را در رویدادهای بین‌المللی مانند کنفرانس‌های تغییرات آب و هوایی سازمان ملل در کپنهاگ و پاریس نمایندگی کرده‌اند.

۱۷۳- ر.ک به: Mowforth, 2014

174- Mowforth

175- campesino farmers

176- Smith



**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

### فارسی

- جوان جعفری، عبدالرضا و حاجی وند، امین، ۱۴۰۰، تحلیلی بر نقش رسانه در ترویج رفتارهای ناقض حق بر محیط زیست سالم از منظر جرم‌شناسی ادغام‌گرایی انتقادی (مطالعه مدل جوامع نئولیبرالیستی)،

**دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، شماره ۳۱.**

- هاروی، دیوید، ۱۳۹۴،

### لاتین

- Abed M, 2006, Clarifying the concept of genocide. *Metaphilosophy* 37(3-4): 308-330.
- Ahemd N, 2014, World Bank and UN carbon offset scheme 'complicit' in genocidal land grabs. Available at: <https://www.theguardian.com/environment/earth-insight/2014/jul/03/world-bankun-redd-genocide-land-carbon-grab-sengwer-kenya> (accessed 23 December 2017).
- Alfred G, 2009, Wasáse. Toronto: University of Toronto Press. Aljazeera (2017) New Zealand river is the world's first 'legal person'. News, Aljazeera, 16 March. Available at: <http://www.aljazeera.com/news/2017/03/zealand-river-world-legal-person-170316091153248.html> (last accessed 2 December 2017).
- Anderson KB, 2016, Marx at the Margins. Chicago, IL: The University of Chicago Press.
- Angus I, 2016, Facing the Anthropocene. New York: Monthly Review Press. Arsenault C (2017) Only 60 years of farming left if soil degradation continues. *Scientific American*. Available at: <https://www.scientificamerican.com/article/only-60-years-of-farming-left-if-soil-degradation-continues/> (accessed 22 December 2017).
- Barta T, 1987, Relations of genocide: Land and lives in the colonization of Australia. In: Walliman I and Dobrowski M (eds) *Genocide and the Modern Age*. New York: Greenwood Press.
- Berat L, 1993, Defending the right to a healthy environment: Towards a crime of genocide in international law. *Boston University International Law Journal* 11: 327-348.
- Berry T, 1999, *the Great Work: Our Way into the Future*. New York: Bell Tower.
- Boekhout Van Solinge T, 2008, Crime, conflicts and ecology in Africa. In: Sollund R (ed.) *Global Harms: Ecological Crime and Speciesism*. New York: Nova Science Publishers.
- Bolivia, 2010, Proposal: Universal Declaration of the Rights of Mother Earth. World People's Conference on Climate Change and the Rights of Mother Earth, Bolivia,

- 22 April. Available at: <http://therightsofnature.org/universal-declaration/> (last accessed 2 December 2017).
- Brisman A, 2013, not a bedtime story: Climate change, neoliberalism, and the future of the Arctic. *Michigan State International Law Review* 22(1): 241–289.
  - Brisman A and South N, 2016, Water, inequalities and injustice: Social divisions, racism and colonialism—past and present. In: Meško G and Lobnikar B (eds) *Criminal Justice Systems in Central and Eastern Europe: Safety, Security and Social Control in Local Communities*. Ljubljana: University of Maribor, 359–366.
  - Brisman A and South N, 2017a, Green criminology. In: Liebling A, Marunna S and McAra L (eds) *The Oxford Handbook of Criminology*. Oxford: Oxford University Press, 329–349.
  - Brisman A and South N, 2017, Green criminology. In: Brisman A, Carrabine E and South N (eds) *The Routledge Companion to Criminological Theory and Concepts*. London: Routledge, 297–300.
  - Brisman A and South N, 2018, Autosarcophagy in the Anthropocene and the obscenity of an epoch. In: Holley C and Shearing C (Eds) *Criminology and the Anthropocene*. London: Routledge, 25–49.
  - Burkett P, 2014, *Marx and Nature*. New York: St Martin's Press. Crook et al. 313 Butt D (2013) Colonialism and postcolonialism. In: LaFollette H (ed.) *the International Encyclopedia of Ethics*. Hoboken, NJ: Blackwell, 892–898. Card C, 2003, Genocide and social death. *Hypatia* 18(1): 63–79. Carrington K and Hogg R, 2017, Deconstructing criminology's origin stories. *Asian Journal of Criminology* 12(3): 181–197. Carrington K, Hogg R, Scott J, et al. (Eds), 2018, *the Palgrave Handbook of Criminology and the Global South*. Cham: Palgrave Macmillan/Springer.
  - Carrington K, Hogg R and Sozzo M, 2016, Southern criminology. *British Journal of Criminology* 56(1): 1–20. Cohen S, 1993, Human rights and crimes of the state: The culture of denial. *Australian and New Zealand Journal of Criminology* 26: 97–115.
  - Coulthard G, 2014, *Red Skin, White Masks*. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press. Crook M and Short D, 2014, Marx, Lemkin and the genocide–ecocide nexus. *International Journal of Human Rights* 18(3): 298–319.
  - Cullinan C, 2011, *Wild Law: A Manifesto for Earth Justice*. White River Junction, VT: Chelsea Green. Curthoys A and Docker J (ed.), 2008, *Defining Genocide: The Historiography of Genocide*. London: Palgrave Macmillan.
  - Davis M, 2001, *Late Victorian Holocausts: El Niño Famines and the Making of the Third World*. London: Verso.
  - Day E and Vandiver M, 2000, Criminology and genocide studies: Notes on what might have been and what still could be. *Crime, Law & Social Change* 34: 43–59.
  - Del Olmo R, 1987, Aerobiology and the war on drugs: A transnational crime. *Crime and Social Justice* 30: 28–44. Donaldson S and Kymlicka W (2011) *Zoopolis: A Political Theory of Animal Rights*. Oxford: Oxford University Press.
  - Dunlap A, 2018, the 'solution' is now the 'problem': Wind energy, colonisation and the 'genocide–ecocide nexus' in the Isthmus of Tehuantepec, Oaxaca. *International Journal of Human Rights* 22(4): 550–573. Ellefsen R, Sollund R and Larsen G (Eds) (2012) *Eco-Global Crimes: Contemporary Problems and Future Challenges*. Farnham: Ashgate. End Ecocide on Earth (n.d.) Charter of Brussels. Available at:

- http: //cop21.endecocide.org/en/ charter-of-brussels/#sthash.caU0eqd0.KwGmxAlo.dpbs (last accessed 2 December 2017).
- Engels F, 1964, *Dialectics of Nature*. Moscow: Progress Publishers. Eradicating Ecocide (2017) Closing the door to dangerous industrial activity: A concept paper for governments to implement emergency measures. Available at: [http: //eradicatingecocide.com/ connect/documents/](http://eradicatingecocide.com/connect/documents/) (last accessed 27 June 2018). Falk RA (1973) Environmental warfare and ecocide: Facts, appraisal, and proposals. *Security Dialogue* 4(1): 80–96.
  - Fitzmaurice F, 1984, Anti-colonialism in western political thought: The colonial origins of the concept of genocide. In: Todorov T (Ed) *the Conquest of America: The Question of the Other*. New York: Harper & Row.
  - Foster JB, 2000, *Marx's Ecology: Materialism and Nature*. New York: Monthly Review Press. Foster JB (2005) the treadmill of accumulation. *Organization & Environment* 18(1): 7–18. Foucault M (1989 [1961]) *Madness and Civilization: A History of Insanity*. New York: Random House.
  - Galtung J, 1990, Cultural violence. *Journal of Peace Research* 27(3): 291–305. Glassman J (2006) Primitive accumulation, accumulation by dispossession, accumulation by 'extra-economic' means. *Progress in Human Geography* 30(5): 608–625. 314 *Theoretical Criminology* 22(3)
  - Goyes DR, 2018, *Biopiracy from a green criminological perspective*. PhD Thesis, University of Oslo, Norway.
  - Goyes DR and South N, 2015, Land grabs, bio-piracy and the inversion of justice in Colombia. *British Journal of Criminology* 56(3): 558–577.
  - Goyes DR and South N, 2017a, Green criminology before 'Green Criminology': Amnesia and absences. *Critical Criminology* 25(2): 165–181.
  - Goyes DR and South N, 2017b, the injustices of policing, law and multinational monopolisation in the privatisation of natural diversity: Cases from Colombia and Latin America. In: Goyes DR, Mol H, Brisman A, et al. (Eds) *Environmental Crime in Latin America: The Theft of Nature and the Poisoning of the Land*. London: Palgrave.
  - Goyes DR, Mol H, Brisman A, et al. (Eds), 2017, *Environmental Crime in Latin America: The Theft of Nature and the Poisoning of the Land*. London: Palgrave.
  - Gray MA (1996) the international crime of ecocide. *California Western International Law Journal* 26: 215–271.
  - Harvey D, 2003, the 'new' imperialism: Accumulation by dispossession. In: Panitch L and Leys C (Eds) *Socialist Register*. Halifax: Fernwood, 63–88.
  - Higgins P, Short D and South N, 2013, Protecting the planet: A proposal for a law of ecocide. *Special issue of Crime, Law and Social Change* 59(3): 251–266.
  - Huseman J and Short D, 2012, A slow industrial genocide: Tar sands and the indigenous peoples of northern Alberta. *International Journal of Human Rights* 16(1): 216–237. ICE Coalition (2011) *The case for an International Court for the Environment*, 1–11. Available at: [https: //www. icc-cpi.int/nr/rdonlyres/ea9aef7-5752-4f84-be94-](https://static1.squarespace.com/static/56c0ae80ab48de4417bd17fa/t/56d5b71362cd94808b9040a5/1456846612833/The+Case+for+an+ICE.pdf)

- 0a655eb30e16/rome\_statute\_english. pdf (last accessed 2 December 2017).
- International Rights of Nature Tribunal, 2017, Press release: International Rights of Nature Tribunal in Bonn finds legal systems incapable of preventing climate change and protecting nature. Global Alliance for Rights of Nature, 10 November, p. 1. Available at: <https://therightsofnature.org/wp-content/uploads/Press-release-Bonn-Tribunal-final-2.pdf> (last accessed 2 December 2017).
  - Irvin-Erickson D, 2017, Raphaël Lemkin and the Concept of Genocide. Philadelphia, PA: University of Pennsylvania Press.
  - Kuper L, 1981, Genocide: Its Political Use in the Twentieth Century. New Haven, CT: Yale University Press.
  - Larsen G, 2012, the most serious crime: Eco-genocide concepts and perspectives in eco-global criminology. In: Ellefsen R, Sollund R and Larsen G (Eds) Eco-Global Crimes: Contemporary Problems and Future Challenges.
  - Farnham: Ashgate. Lemkin R, 1944, Axis Rule in Occupied Europe: Laws of Occupation, Analysis of Government, Proposals for Redress. Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace Division of International Law.
  - Lindgren T, 2018, Ecocide, genocide and the disregard of alternative lifeways. International Journal of Human Rights 22(4): 525–549. Lynch M (1990) the greening of criminology: A perspective on the 1990s. Critical Criminologist 2(3): 1–4; 11–12.
  - Lynch M and Stretesky P, 2014, Exploring Green Criminology: Toward a Green Criminological Revolution. Farnham: Ashgate.
  - Lynch MJ, Barrett KL, Stretesky PB, et al., 2017, The neglect of empirical research in green criminology and its consequences. Critical Criminology 25(2): 183–198. Crook et al. 315
  - Malm A, 2016, Fossil Capital: The Rise of Steam-Power and the Roots of Global Warming. New York: Verso Books. Marx K (1976) Capital. Vol 1. London: Penguin. Mies M and Shiva V (1993) Ecofeminism. London: Zed Books.
  - Monbiot G, 2017, Insectageddon: Farming is more catastrophic than climate breakdown. Guardian, 20 October. Available at: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2017/oct/20/insectageddon-farming-catastrophe-climate-breakdown-insect-populations> (accessed 22 December 2017).
  - Morsink J, 1999, Cultural genocide, the Universal Declaration, and minority rights. Human Rights Quarterly 21(4): 1009–1060.
  - Moses D, 2004, The Holocaust and genocide. In: Stone D (ed.) the Historiography of the Holocaust. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
  - Moses D, 2008, Empire, colony, genocide: Keywords and the philosophy of history. In: Moses D (ed.) Empire, Colony, Genocide: Conquest, Occupation, and Subaltern Resistance in World History. Oxford: Berghahn Books.
  - Mowforth M, 2014, Indigenous people and the crisis over land and resources. Guardian, 23 September. Available at: <https://www.theguardian.com/global-development/2014/sep/23/indigenous-people-crisis-land-resources> (last accessed 27 June 2018).
  - Peterson K, 2007, Oil versus water: Toxic water poses threat to Alberta's indigenous communities. The Dominion, 15 October, issue 48. Powell C (2007) what do genocides kill. Journal of Genocide Research 9(4): 527–547.

- Povinelli E, 2007, *The Cunning of Recognition*. Durham, NC: Duke University Press.
- Samson C (2003) *A Way of Life That Does Not Exist: Canada and the Extinction of the Innu*. London: Verso Press.
- Schaller D, 2008, Colonialism and genocide: Raphael Lemkin's concept of genocide and its application to European rule in Africa. *Development Dialogue* 50: 75–93.
- Schwendinger H and Schwendinger J, 1970, Defenders of order or guardians of human rights? *Issues in Criminology* 5(2): 123–157.
- Shaw M, 2007, *What Is Genocide?* Cambridge: Polity.
- Short D (2007) the social construction of indigenous 'native title' land rights in Australia. *Current Sociology* 55(6): 857–876.
- Short D (2010a) Australia: A continuing genocide? *Journal of Genocide Research* 12(1–2): 45–68.
- Short D (2010b) Cultural genocide and indigenous peoples: A sociological approach. *International Journal of Human Rights* 14(6): 833–848.
- Short D, 2016, *Redefining Genocide: Settler Colonialism, Social Death and Ecocide*. London: Zed Books.
- Smith LT, 1999, *Decolonizing Methodologies*. London: Zed Books.
- Sollund R (2012) Speciesism as doxic practice versus valuing difference and plurality. In: Ellefsen R, Sollund R and Larsen G (Eds) *Eco-Global Crimes: Contemporary Problems and Future Challenges*. Farnham: Ashgate.
- South N, 1998, a green field for criminology? A proposal for a perspective. *Theoretical Criminology* 2(2): 211–233.
- South N, 2007, the 'corporate colonisation of nature': Bio-prospecting, bio-piracy and the development of green criminology. In: Beirne P and South N (Eds) *Issues in Green Criminology: Confronting Harms against Environments, Humanity and Other Animals*. Cullompton: Willan, 230–247.
- South N (2009) Ecocide, conflict and climate change: Challenges for criminology and the research agenda in the 21st century. In: Kangaspunta K and Marshall I (Eds) *EcoCrime and Justice*. Rome: UNICRI, 38–53.
- South N, 2010, the ecocidal tendencies of late modernity: Trans-national crime, social exclusion, victims and rights. In: White R (ed.) *Global Environmental Harm: Criminological Perspectives*. Cullompton: Willan, 228–247.
- South N, 2016, the contested planet: Global green criminology and environmental crime in transnational context. In: Spapens A, Huisman W and White R (eds) *Environmental Crime in Transnational Context: Global Issues in Green Enforcement and Criminology*. Farnham: Ashgate, 9–26.
- Stockholm Resilience Centre (2017) planetary boundaries: An update. Available at: <http://stockholmresilience.org/research/research-news/2015-01-15-planetary-boundaries—an-update>. Html (last accessed 2 December 2017).
- Stretesky P, Long M and Lynch M (2013) *The Treadmill of Crime: Political Economy and Green Criminology*. Abingdon: Routledge.
- Van Kreiken R, 2004, Rethinking cultural genocide: Aboriginal child removal and settler-colonial state formation. *Oceania* 75(2): 125–151.
- Van Kreiken R, 2008, Cultural genocide. In: Stone D (ed.) *The Historiography of Genocide*. London: Palgrave Macmillan, 128–155.
- Vetlesen AJ, 2017, *The Denial of Nature*. Abingdon: Routledge.
- Vidal J and Bowcott O (2016) ICC widens remit to include environmental destruction cases. *Guardian*, 15

- September. Available at: <https://www.theguardian.com/global/2016/sep/15/hague-court-widens-remit-to-include-environmental-destruction-cases> (accessed 1 February 2018).
- Walters R, 2006, Crime, bio-agriculture and the exploitation of hunger. *British Journal of Criminology* 46(1): 26–45. Weinstock A (2017) A decade of social and environmental mobilisation against mega-mining in Chubut. In: Goyes RD, Mol H, Brisman A, et al. (Eds) *Environmental Crime in Latin America: The Theft of Nature and the Poisoning of the Land*. London: Palgrave. White R (2008) *Crimes against Nature: Environmental Criminology and Ecological Justice*. Cullompton: Willan. White R (2011) *Transnational Environmental Crime: Toward an Eco-Global Criminology*. London: Routledge.
  - White R and Heckenberg Dm 2014, *Green Criminology*. London: Routledge.
  - Wolfe P, 2006, Settler colonialism and the elimination of the native. *Journal of Genocide Research* 8(4): 387–409. Wyatt T, 2014, invisible pillaging: The hidden harm of corporate biopiracy. In: Davies P, Francis P and Wyatt T (Eds) *Invisible Crimes and Social Harms*. Basingstoke: Palgrave Macmillan, 161–177.
  - Wyatt T and Brisman A, 2017, the role of denial in the ‘theft of nature’: A comparison of biopiracy and climate change. *Critical Criminology* 25(3): 325–341. Zalasiewicz J, Williams M, Smith A, et al. (2008) Are we now living in the Anthropocene? *GSA Today* 18(2): 4–8.

